سرمقاله

روند معکوس مطالعه در کشور و نقش مربیان آموزشی!

ادامه از صفحه ۱

.. ناخواسته، راهی برایش به سمت دانایی و کمال (به شرط صحت مطالب) گشوده می‌شود که در پهنای هیچ باد و توفیک اینترنتی نمی‌توان آن را پیدا کرد؛ جدای از اپلیکیشن‌های مخصوص کتاب که اشخاص متعددی را به سمت کتابخوانی مجازی و صوتی ترغیب کرده است که نحوه فرهنگسازی در این زمینه نیز از سوی مربیان آموزشی در مدارس، می‌تواند در نوع خود و برای مقاطع ابتدایی، کم‌نظیر و مثمر تلقی شود.

با توجه به داده‌های مشخص در این راستا؛ در بسیاری از کشورهای جهان، منظور از مطالعه، صرفاً مطالعهٔ کتاب است. از این نظر مطالعه روزنامه‌ها، سایت‌ها، ادعیه و.. مورد نظر نیست. اما برخی دیگر از کشورها مطالعه روزنامه‌ها و سایت‌های خبری- تحلیلی را نیز در آمارهای خود لحاظ می‌کنند اما به هر حال بر اساس تحقیقات به عمل آمده و با تکیه بر هر دو تعریف از مطالعه، کشورهای جهان سوم کمترین سرفله را به خود اختصاص می‌دهند؛

بر اساس آمار استانیت‌سا، بیشترین سرفله مطالعه در هفته را هند با ۱۰ ساعت و ۴۲ دقیقه دارد که البته خیلی‌ها اعتقاد دارند که هندی‌ها خودشان کتاب‌های دعا را هم جزو مطالعه حسابی می‌کنند.

رتبه دوم در این آمار برای کشور تایلند با ۹ ساعت و ۲۴ دقیقه است و رتبه سوم هم چین است با ۸ ساعت میانگین مطالعه هفتگی.

در ایران نیز آمارهای متفاوتی در این زمینه ارائه می‌شود و شمار اعلام‌شده از ۲ دقیقه تا ۱۲۰ دقیقه متغیر است. زمان‌های اعلام شده برای مطالعه هر ایرانی: ۲ دقیقه (بدون زمان خواندن قرآن، مفاتیح و روزنامه) است که اگر زمان درس خواندن را هم به آن اضافه کنیم، ۱۰ دقیقه در روز است که احتساب مدت زمان مذکور در شبانه‌روز برای ایران و ایرانی جماعت با اُطمطراق فرهنگی چندین هزارساله، بسیار سخیف و قابل تأمل است.

در این میان موارد متعددی در روند نزولی سرفله مطالعه در کشور دخیل است که جدای از مبحث قیمت‌گذاری کتاب و مدافه در تکوین شخصیت فردی از ابتدای رشد فرهنگی و نقش خانواده؛ تأثیر مربیان آموزشی کشور در این زمینه دارای اهمیت است و در کنار موارد ذکرشده، حوزه نشر و فرهنگ کتاب‌خوانی را می‌توان در گروه سیاست‌های کلانِ فرهنگی-اجتماعیِ کشور دانست که خط مشی‌های مناسب برایش در نظرگرفته نشده و فضای راکدی را به خود اختصاص داده است.

بی‌شک آنچه باید در ایران، برای رشد یک جامعهٔ کتاب‌خوان لحاظ گردد؛ تا حد زیادی با میانگین کشورهای صاحب رتبه فاصله دارد و اگر به صورت اجمالی به فروشگاه‌ها و مارکت‌های شهر نگاهی بیندازیم؛ جدا از جبری که برای دانش‌آموزان و دانشجویان برای تهیه و خرید کتاب، وجود دارد؛ هیچ رغبت و انگیزه‌ای در خرید کتاب‌های غیر درسی در میان مردم دیده نمی‌شود و اگر دو باب مغازهٔ البسه‌فروشی و کتاب‌فروشی یا اغذیه‌فروشی و کتاب‌خوشی را در کنار هم مقایسه کنیم، کاملاً نمودار است که بازار کسالت‌آور کتاب در شهر، گویای شاخص صعودیِ «فقدان مطالعه» در جامعه است و هیاهوی خوراک و پوشاک، حرف اول را در میان مردم می‌زند.

و آنچه در این اثنا؛ بیش از پیش الزام‌آور است یادآوری این مهم برای دانش‌آموزان کشور است که مرز باریکی میان دانستن و ندانستن، نابغه بودن و ابله بودن وجود دارد و تنها کسانی که در رده و گروه مختص باشند، می‌توانند متوجه درک این تفاوت گردند. یعنی کسی که با مدافه کافی، آثار نابغه‌های زمان خود و پیش‌تر را مطالعه می‌کند؛ می‌فهمد که چه تفاوتی در بیان و آداب ادراک‌شان وجود دارد؛ وگرنه سایرین ممکن است چون لیلهی وی را در نظر بگیرند که گزافه‌گویی می‌کند.

همچنین در فلسفه‌های متفاوت از مشاهیر بنام، موضوعات متفاوتی درخصوص تصاویر و تصورها وجود دارد به عقیدهٔ کانت، دستگاه حسی و ذهنی ما به گونه‌ای طراحی شده که نمودها و پدیدارها را می‌شناسد نه «بود»ها را؛ یعنی ما قادریم جهان را درک کنیم اما نه آنگونه که در ذات واقعی وجود دارد، بلکه آنگونه که در دستگاه حسی ما نمود می‌یابد. در واقع شناخت ما از جهان چیزی جز تصویر و تصور ما از جهان نیست که صراحتاً بر این مهم تأکید دارد که «تصویر و تصورهای موجود درذهن ما» نتیجهٔ عینی از آنچه حس کرده‌ایم است و آنچه که ما با مطالعه و همنشینی به دست می‌آوریم، نمود جامع‌تری در نگاه و حس ما در جهان خواهد داشت.

و آنچه جدای از مباحث مطرح‌شده، قابل اهمیت و تعمق است، تمرکز بر بندی از «هاریو بارگاس یوسا»، در این زمینه است که تا حد زیادی می‌تواند به پیدایش گستره ذهنی یکایک افراد کمک کند: «آدمی که نمی‌خواند، یا کم می‌خواند، یا فقط پرت و پلا می‌خواند، بی‌گمان اختلالی در بیان خواهد داشت. این آدم بسیار حرف می‌زند، اما اندک می‌گوید؛ زیرا واژگانش برای بیان آنچه در دل دارد، بسنده نیست. اما مسئله تنها محدودیت کلامی نیست؛ محدودیت فکر و تخیّل نیز در میان است. مسئله، مسئلهٔ فقر تفکر نیز هست؛ چرا که افکار و مفاهیم -که ما به واسطهٔ آن‌ها به رمز و رازِ وضعیت خود پی می‌بریم- جدا از کلمات وجود ندارند. ما سخن گفتن درست، پر مغز، سنجیده و زیرکانه را از ادبیات و تنها از ادبیات خوب می‌آموزیم».

به‌نظر می‌آید وقت آن رسیده که فرهنگ کتاب‌خوانی جامعه، از مدارس کشور و از سوی معلمان و مربیان، به دانهٔ جامعه گسیل شود و گرامیداشت هفته معلم، زمان مناسبی برای جلمایی این فرهنگ در تفکر مربیان آموزشی است که انتظار می‌رود مسئولان فرهنگی در این زمینه، ورود مناسب داشته باشند و در کنار تجلیل این مقام به بررسی ابعاد نقش معلّم و ارتقاء سرفله مطالعه کشور نیز پرداخته شود.

الهام آمرکاشی
elhamamerkashi@ymail.com

رهبر انقلاب در دیدار کارگران تأکید کردند:

ارتقای زندگی کارگر؛ ارتقای وضع کشور

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه تولید ستون اقتصاد کشور و کارگر ستون فقرات تولید است، بیان داشتند ما نباید بگذاریم کارگر، این ستون فقرات تضعیف بشود.

به گزارش پیام آشنا، رهبر معظم انقلاب اسلامی دیروز در دیدار بیش از هزار نفر از کارگران، اعضای تشکل‌های کارگری و مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تأکید بر لزوم انجام شدن یک حرکت محسوس برای ارتقا سطح زندگی کارگران، جامعه کارگری و مقابله هوشیارانه کارگران با تحریکات دشمنان راتحسین کردند و فرهنگ‌سازی درباره «رابطه مستقیم درآمد و ثروت با کار و تلاش» را نیاز حقیقی کشور و جامعه خواندند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هدف از دیدار سالانه با کارگران را برجسته شدن ارزش کارگر در جامعه برشمردند و افزودند: «کار» به علت تأمین کردن همه نیازها و لوازم زندگی مردم و کشور، در واقع حیات جامعه است اما اگر کارگر نباشد، از کار و آثار آن و پیشرفت و شکوفایی کشور خبری نیست بنابراین ارزش کارگر، ارزش حیات جامعه و زندگی مردم است.

ایشان درک اهمیت کار و کارگر را موجب تلاش برای تولید کار حقیقی و مفید دانستند و گفتند: نیاز حیاتی کشور و جامعه به کار، نیاز کارگر به کار برای اداره زندگی، نیاز روحی انسان به کار و تأثیر کاملاً محسوس کار در رفق و جلوگیری از بروز گواع فساد، نشان‌دهنده اهمیت فراوان برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و اقدام برای تولید کار و اشتغال حقیقی است.

رهبر انقلاب با استناد به آیات قرآن مجید، به تبیین رابطه مستقیم درآمد و کار و ضرورت فرهنگسازی در این زمینه پرداختند و افزودند: از نگاه اسلام، درآمد باید ناشی از سعی و کار و تلاش باشد؛ بنابراین پول‌ها و ثروت‌های بادآورده، واسطه‌گری، سوداگری، دلال‌بازی، رشوه، ویژه‌خواری به علت ارتباط با فلان شخص و ربا‌خواری، مخالف منطق قرآنی و دستور پروردگار است.

ایشان وجود مصادیقی از مُترَفین و لسان‌های غرق در ثروت و فساد و غرور در جامعه را ناشی از قطع شدن ارتباط درآمد با کار و تلاش دانستند و افزودند: فرهنگسازی در این زمینه، کار بسیار دشوار و بلندمدت اما کاملاً ضروری است و هر گام در مبارزه با فساد، گامی در ایجاد این فرهنگ است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به فرمان بیست سال قبل خود درباره ضرورت مبارزه همه‌جبهه با اژدهای هفت سر فساد گفتند: اگر از آن زمان، دولت‌ها و مسئولان اقدام می‌کردند، امروز وضع بهتری داشتیم که امیدواریم دولت و مجلس این مبارزه را جدی دنبال کنند.

ایشان نداشتن جرأت مبارزه با مفسد داخلی را موجب سلب شجاعت مبارزه با زورگویی‌های دشمن خارجی دانستند و افزودند: اگر مسئولی به عنوان مثال، جرأت مقابله با سوءاستفاده‌کنندگان از تجارت با اعتبارات بانکی را نداشته باشد، و یا بدهکاران عمده بانکی مقابله نکند، در مقابل خواسته‌های دولت زورگویی مثل آمریکا هم جرأت مقابله نخواهد داشت.

بخش دیگری از سخنان رهبر انقلاب به بیان وظایف مسئولان در قبال جامعه کارگری اختصاص داشت.

ایشان تعریف زعمای از کارگران را خوب اما ناکافی خواندند و به مسئولان و کارآفرینان و سرمایه‌گذاران خاطرنشان کردند: ارتقا زندگی کارگر و اطمینان خاطرش به امنیت شغلی و چرخیدن راحت چرخ زندگی، باعث افزایش